

خط و نوشتار



ما زبان و گفتار را در خانه و پیش خود یاد می‌گیریم ولی **خط و نوشتار** را در مدرسه و نزد معلم می‌آموزیم. برای «گفتن» محتاج تمرین و پرسش و تکرار نیستیم اما برای «نوشتن» ناگزیریم زحمت بسیار بکشیم و از درس و کلاس و مشق و تمرین کمک بگیریم. راز این تفاوت در چیست؟ برای پی بردن به این راز باید به نکات زیر توجه کنیم.

زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد؛ حال آن که **خط و نوشتار** ذاتی و طبیعی انسان نیست و **ریشه در اجتماع و فرهنگ** او دارد. انسان همواره از نعمت زبان و گفتار برخوردار بوده است؛ بنابراین، سابقه‌ی زبان و گفتار به میلیون‌ها سال پیش بازمی‌گردد ولی سابقه‌ی خط به زحمت به ده هزار سال پیش می‌رسد.

خط و نوشتار، خاستگاه اجتماعی و فرهنگی دارد و ساخته‌ی خود انسان است. در نتیجه، برای یادگیری آن ما به استعداد طبیعی خاصی مجهز نیستیم بلکه باید آن را، مثل همه‌ی چیزهای دیگری که ساخته‌ی انسان‌اند، به کمک هوش و حافظه و از طریق درس و مدرسه بیاموزیم اما در مورد زبان و گفتار وضع فرق می‌کند؛ زیرا استعداد یادگیری زبان و گفتار، طبیعی و خدادادی است و ما به هنگام یادگیری زبان، این استعداد پیش‌داده را در قالب زبان‌های مشخص می‌ریزیم؛ یعنی، آن را — بسته به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم — به شکل زبان فارسی یا عربی یا انگلیسی و مانند این‌ها درمی‌آوریم. این است که یادگیری زبان و گفتار به هوش و حافظه و درس و مدرسه نیازی ندارد و هر انسان سالمی از عهده‌ی آن برمی‌آید.

برخلاف آن‌چه تصور می‌شود، خط و نوشتار هیچ بخشی از بخش‌های اصلی زبان و گفتار را تشکیل نمی‌دهد. چرا که زبان و گفتار — همان‌طور که گفتیم — میلیون‌ها سال وجود داشته است؛ بی‌آن که اثری از خط و نوشتار در میان بوده باشد. خط و نوشتار را انسان بنا به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی اختراع کرده و برای تثبیت زبان و گفتار به کار گرفته است.

فعالیت

درباره‌ی علت پیدایش خط و نوشتار در کلاس گفت‌وگو کنید.

از این گذشته، خط و نوشتار به طور غیرمستقیم و به واسطه‌ی گفتار با زبان پیوند می‌خورد؛ به این معنی که ما نخست زبان را به صورت گفتار درمی‌آوریم. آن‌گاه گفتار را به کمک خط به شکل نوشتار می‌نویسیم. علت این که ما جملات را در حین نوشتن در ذهن خود تکرار می‌کنیم، بی‌گمان همین است. از نکته‌ی اخیر این نتیجه نیز به دست می‌آید که خط و نوشتار هم — درست مثل گفتار — در معرض اشتباه و تنوع و گوناگونی است.

راز اصلی نیاز ما به آموختن خط و نوشتار این است که زبان پس از آن که از طریق گفتار به شکل نوشتار در می‌آید، از صورت گفتاری خود فاصله می‌گیرد و به مرور زمان و

در طولِ قرون، شکلی متفاوت و مخصوص به خود پیدا می‌کند.

خودآزمایی

(۱) چرا شکل گفتاری و نوشتاری کلمات زیر تفاوت دارد؟

خواهر، خوردن، خواستار، خوابیدن

(۲) بررسی کنید که آیا در زبان‌های دیگر نیز بین شکل گفتاری و نوشتاری کلمات تفاوت وجود

دارد. چند نمونه بیان کنید.

(۳) تفاوت‌های میان گفتار و نوشتار را با ذکر مثال بنویسید.

املا

«بایدها» و «نبایدها»ی املائی (۱)

الف) حرف‌ها

ردیف	باید و نبایدها	مثال	ملاحظات
۱	نوع خط	جز راست نباید گفت . هر راست نشاید گفت .	نوع این خط «نسخ و چایی» است و برای املا توصیه نمی‌شود.
		جز راست نباید گفت . هر راست نشاید گفت .	نوع این خط تحریری است و اختصاص به دست نوشت دارد.
		جز راست نباید گفت . هر راست نیست .	نوع این خط، تحریری شکسته است و برای املا توصیه نمی‌شود.
۲	نقطه	پیچ پچان ، شیخون ، شیش ، پوشش ، بخشش	برای صحیح نوشتن این قبیل کلمات پر نقطه باید دقت کرد.
		نیرو تیر ، چاه و جاه ، پور و بور ، نفت و نفت ، یار و بار ، قال و قال ، تقی و تقی	هنگام نوشتن این قبیل کلمه‌ها، مواظب باشیم که تعداد نقطه‌ها کم یا زیاد نشود.
		باز و بار ، کز و کر ، حجت و رحمت ، ست و شست	گذاشتن نقطه یا نگذاشتن آن در این کلمات نیز به دقت نیاز دارد.
		بنی و بنی ، بنار و بنار ، بنات و نبات	اگر تعداد نقطه‌ها درست باشد اما آن‌ها را در سر جای خود نگذاشته باشیم، مشکلاتی ایجاد خواهد شد.

ردیف	باید و نبایدها	مثال	ملاحظات
۳	دندانه	درس و درس ، شادی و شادی ، درش و درش و درشش ، گلشن و گلشن	س و ش سه دندانه دارند و هنگام نوشتن آن‌ها این مورد همه جا باید رعایت شود. مگر در جاهایی که می‌توانیم آن‌ها را به شکل کشیده بنویسیم.
		سخن (سخن) ، شجاعت (شجاعت) ، سر و سر (سر) ، درش (درش) ، اسم و اسم (اسم) ، روشن (روشن) ، سه و سه ، سهام (سهام) ، سیاه و سیاه ، سی (سی) ، کوشش ، کوشش ، کوشش ، (کوشش)	شکل کشیده‌ی «س» و «ش» مخصوص خط تحریری است و همه جا نمی‌توان آن را به کار برد.
		صبا و (صبا) ، صندوق (صندوق) ، انضباط (انضباط)	«ص» و «ض» همیشه باید یک دندانه داشته باشند.
۴	شکل حرف	خواب (خواب) ، ظهر (ظهر) تکبیل (تکبیل) ، گفت (گفت) ، پسر (پسر) ،	هر حرفی باید به شکل صحیح خود نوشته شود.
۵	شکل‌های حرف	علم ، معلم ، شمع ، شرع (علم) ، (معلم) ، (شمع) ، (شرع) هادی ، هادی ، همدی ، همدی ، روزه (روزه)	حرف‌هایی مثل : ب ، ج ، ع ، غ ، ف ، ق ، ک ، ل ، م ، ن ، ه ، ی در اول ، وسط و پایان کلمه شکل‌های گوناگونی دارند و نمی‌توان یکی از این شکل‌ها را به جای دیگری به کار برد.
		یادآوری: املا ی کلماتی مانند «خانه» و «سایه» به همین شکل است و نوشتن آنها به شکل «خانه» و «سایه» مخصوص خط نسخ و چاپ است.	

ردیف	باید و نبایدها	مثال	ملاحظات
۶	سرکج	گلاب (کلاب) ، عسکر (عگر) جنگاور (جنگاور)	نشانه‌ای که دو حرف «ک» و «گ» را از یک‌دیگر مشخص می‌کند، سرکج (یا سرکش) آن‌هاست و رعایت آن کاملاً ضروری است.

چند نکته: اکنون با دقت در جدول قبل چند نکته را توضیح می‌دهیم:

۱) دست نوشته‌ی بعضی شبیه خط چایی کتاب است که به آن خط «نسخ» می‌گویند. دست نوشته‌ی عده‌ای دیگر به نستعلیق ریز نزدیک است که معمولاً به آن خط «تحریری» گفته می‌شود. بعضی هم با خط «تحریری شکسته» می‌نویسند. عده‌ای هم از یک خط مشخص و ثابت استفاده نمی‌کنند و آمیخته‌ای از خط‌های یاد شده را به کار می‌برند. باید توجه کنیم که هر یک از انواع این خط‌ها برای خود اصول و ضوابطی دارد که لازم است رعایت شود؛ مثلاً کسی که به خط شبه نسخ می‌نویسد، نباید از «س» و «ش» کشیده استفاده کند. به این مثال توجه کنید:

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌ی
معالی است .
(صحیح: اندیشه، است)

هم‌چنین، کسی که به خط تحریری می‌نویسد، نباید مثلاً، «ه» پایانی را به شکل «ه» بنویسد. به این مثال توجه کنید.

کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌ی معالی
است .
کتابخانه جلوه‌گاه اندیشه‌ی معالی
است .
(صحیح: کتابخانه، اندیشه)

فَعَالِيَّت

جمله‌ای را با انواع خط‌های نسخ، تحریری و شکسته روی تخته بنویسید.
سپس درباره‌ی ضوابط و باید و نبایدهای هریک از این خط‌ها با هم کلاسی‌هایتان
گفت‌وگو کنید.

۲) الفبای خط فارسی در مقایسه با الفبای خط‌های مشهور دنیا، پرنقطه‌ترین است؛
بنابراین، در نوشتن املا باید حرف‌های یک نقطه‌ای، دو نقطه‌ای و سه نقطه‌ای را دقیقاً
شناسیم و نقطه‌ی هر حرف را درست در جای خاص آن قرار دهیم.

۳) حرف‌های «س» و «ش» سه دندانه‌ای و حرف‌های «ص» و «ض» یک دندانه‌ای
هستند و رعایت تعداد دندانه‌ها کاملاً ضروری است. در خط تحریری «س» و «ش» به شکل
کشیده و به صورت «س» و «ش» نیز نوشته می‌شوند. این کشیده‌نویسی بر
سرعت نوشتن و زیبایی خط می‌افزاید.

۴) نوشتن هر یک از حرف‌های الفبا قاعده‌ای دارد؛ مثلاً هنگام نوشتن حرف «الف»
تنها مداد از بالا به پایین حرکت می‌کند؛ در حالی که برای نوشتن الف پیوسته، حرکت مداد
از پایین به بالاست. چنان‌که در این کلمه ملاحظه می‌شود: (دانا) (دانا). هم‌چنین است
حرف ط ص ط (شکل غلط ۱).

۵) بیشتر حرف‌های الفبا چند شکلی هستند؛ مثلاً «غ» به چهار شکل
«غ غ غ غ» نوشته می‌شود و کاربرد هریک از آن‌ها در جایگاه خاص خود در
کلمه صحیح است.

۶) یکی از تصرفات فارسی‌زبانان در حروف الفبای عربی استقلال دادن به حرف
«گ» است که با افزودن یک سرکج (سرکش) به حرف «ک» ساخته شده است. این تصرف
را در حرف‌های «پ، چ، ژ» نیز می‌بینیم. هنگام نوشتن، بی‌توجهی به تعداد سرکج (سرکش)،
در نوشته مشکل و ابهام ایجاد می‌کند.



آنچه در این درس خواندیم، نمونه‌هایی از «بایدها» و «نبایدها»ی املاي فارسی
است. بی‌شک رعایت دقیق این «ضابطه‌ها» به ما در درست و تند نوشتن خط فارسی کمک

فعالیّت

از متن درس های ۱ تا ۶ کتاب های زبان و ادبیات فارسی (۲) املا بنویسید.

گروه کلمات برای املاي شماره ي یک

تمایز و اختلاف - به ناچار و ضرورتاً - سهو و خطا - بی حوصلگی و اضطراب -
نمایش پاننومیم - لهجه و گویش - در معرض لغزش - انصاف و مروّت - بیکار و سلندر -
حقوق بین الملل - طبیعی و ذاتی - محاوره و گفت و گو - تعبیر و اصطلاحات - تأثیر
حیرت انگیز - موقعیت و اقلیم - جزئیات طرح - آمار و ارقام - خصوصیات اخلاقی - نظم
و انسجام - ترجیح و برتری - دریافت و تلقی - امثال و حکم - اعتلا و ارتقا - خاستگاه
اجتماعی - مجهز و آماده - تنوع و گوناگونی - طیّ قرون - اندیشه های متعالی - رعایت
ضابطه ها - مصاحبت و هم نشینی - صمیمی و مخلص - عدم تطابق - لزوماً و قطعاً - بهای
نازل - وسایل نقلیه - نادر و کم نظیر - حمله و شبیخون - نظم و انضباط.

أحد و صمد - مرهم دل مجروح - نور و ضیا - مقبرة الشّعرا - سبحانه رحمت -
ابوالعجایب - توتیای چشم - لسان غیب - آرایه ی تلمیح - ایلید و اُدیسه ی هومر -
حماسه ی مهابهارات - باذل مشهدی - سلیح و جنگ افزار - خنده و مزیح - درخت
سندروس - سوفار و دهانه ی تیر - زه و احسنت - قابلیت ارتجاع - موقوف المعانی -
قصر امل - عمرو بن عبدود - اسب أبرش - امتناع و سرپیچی - غضنفر و شجاع - حماسه ی
مصنوع - منزّه از دغل - غزا و پیکار - مأثور و مطیع - صحنه ی تئاتر - نصب آگهی -
اصرار و التماس - هاج و واج - نصیب و بهره - مسئول برگزاری - ماشین قراضه - مات
و مبهوت - صدای تپانچه - محوطه ی آرام - ضعیف و بی رمق - رُقبای ورزشی - زمزمه ی

مظلومانه - رقابت تنگاتنگ - حمله و هجوم - حسرت بار و غم زده - تَلَأُوْ آب - ساطع و درخشان - فقر و غنا - عمرو بن لیث - هزیمت و شکست - قُوت و غذا - مسالک المحسنین - خصایل نیک - فضیلت های اخلاقی - نثر معاصر - ترفیع رتبه - لوازم عاریه - جوان دیلاق - صله ی ارحام - لهذا و بنابراین - استیصال و بیچارگی - مخیله ی شاعر - کج و معوج - دل بستگی غیر مترقبه - استدعای عاجزانه - اِباو امتناع - ازل و ابد - خیاط و درزی - بذله و لطیفه - مجلس آرای بلا معارض - حرف های قلنبه - محظوظ و برخوردار - انیس و مألوف - مائده ی آسمانی - محظور و رودربایستی - شخص شخیص - توطئه ی دشمن - آلوی برغان - مضغ و جویدن - هضم و گوارش - بقولات و حُبوبات - بحبوحه ی مسابقه - زوال و فنا - وقاحت و بی شرمی - صندوقچه ی اسرار - ادا و اطوار - غَلِیان درونی - خنده ی تصنعی - اداره ی امنیه - اسباب و اثاثیه - هیبت و شکوه - خلع سِلّاح - عجز و لابه - رَجَز خوانی و خودستایی - کِشت صیفی - اسیر و غریب - تشییع جنازه - قدغن و ممنوع - معدّب و گرفتار - جرّ و بحث - حکم قصاص - عَلمِ صلیب مانند - شَعشعه و روشنی - وصل و لقا - مشقّت و سختی - مذلت و خواری.

* * *